**یادی از فیصل ثانی**

**یغمائی، حبیب**

در آبان‏ماه 1336 مناسبت ورود پادشاه عراق فیصل ثانی به طهران‏ از سفارت عراق خواستند که قطعه‏ای در تبریک ورود شاه بگویم.ارتجالا گفتم‏ و فرستادم.اکنون در جزو اوراق بازمانده پراکنده آن را یافتم و برای‏ اینکه از میان نرود(با اینکه ممدوح سال‏هاست از میان رفته)طبع می‏شود-باید گفت که مرحوم ملک فیصل دوم پادشاهی محبوب بود و حتی با افراد کشورش‏ گاهی در پای‏کوبی شرکت می‏جست.

جوانی و خر و شاهی و فضیلت و داد ز نعمت آن‏چه نکوتر بود خدایت داد ز دودمان رسولی و جانشین رسول‏ خوش این شریف مقام و خوش این خجسته نژاد به رهنمائی و ارشاد قوم گام نهی‏ بدان طریق که پیغمبر خدای نهاد خلیفتی به جلالت چو فیصل ثانی‏ پس از رشید ندیده است دجله در بغداد چو شاه بود رعیت نواز و مردم دوست‏ ز مهربانی او مملکت شود آباد چو شاه دادگری کرد و دانش اندوزی‏ تمام خلق گرایند سوی دانش و داد چو شاه ملت خود شادمان و خرم و خواست‏ دعا کنند که باشد هماره خرم و شاد چو شاه خواست برای عموم آزادی‏ به پاسداری وی بندگی کند آزاد چو شاه داشت جوانمردی و خردمندی‏ خواص خویش گزیند ز پاک مردم راد چو شاه پیرو آئین و دین بود،شنود اگر ستمکش مسکین برآورد فریاد ضرورت است به تدبیر ملک عدل عمر چه سود شوکت ضحاک و دستگاه قباد زهی سعادت و توفیق چون تو پادشهی‏ که روزگار کند نام او بنیکی یاد به غیر نام نکو-کز شهان همی ماند- وگر سریر سلیمان بود،رود بر باد به گفت سعدی شیرازی این دعا گویم‏ خدای در دو جهانت جزای خیر دهاد

حاجی،سید،ملا

حاجی و سید و ملا سه گروه عجب‏اند که به هر شهر یکی زین سه بود غوغائی‏ شهر ایران را ایزد به کرم پاس کناد که تو هم حاجی و هم سید و هم ملائی